

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال دهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۹۸ (پیاپی ۱۹)

بررسی و تحلیل قصه‌های «حیوان داماد»

علی حیدری*
دانشگاه لرستان

سمیه حدادیان**
دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد خرم‌آباد

قاسم صحرائی***
دانشگاه لرستان

چکیده

قصه، از گسترده‌ترین زمینه‌ها در پژوهش‌های ادبی معاصر است که منبعی سرشار از باورها و اعتقاداتی به‌شمار می‌رود که تقریباً منسوخ گشته و در حال حاضر با اندیشه‌های دینی و اخلاقی هم‌خوانی ندارد. از بن‌مایه‌های اصلی در اغلب قصه‌ها، موضوع ازدواج شاهزاده‌خانم‌ها است. در برخی از این قصه‌ها با موضوع حیوان‌داماد مواجهیم. در تحریرهای جدید و امروزی برخی از این قصه‌ها، بنا به دلایل فراوان، این بن‌مایه کم‌رنگ گشته است. در این پژوهش به روش تحلیلی‌توصیفی پس از ذکر چند قصه‌ی حیوان‌داماد، به بررسی و تحلیل دلایل پیدایش و سیر دگردیسی این قصه‌ها پرداخته شده است. سپس خویش‌کاری‌های مشترک قصه‌های حیوان‌داماد در فرهنگ‌های مختلف بررسی شده و نشان داده شده است که موضوع حیوان‌داماد با وجود اشتراکات بنیادی در جهان، چگونه در برخی از فرهنگ‌ها دچار دگردیسی شده است.

واژه‌های کلیدی: پدر، حیوان، داماد، دختر، قهرمان.

۱. مقدمه

قصه‌ها به‌ویژه قصه‌های پریان، در تحقیقات ادبی و برای شناخت فرهنگ‌ها و ریشه‌یابی برخی اعتقادات و سنت‌ها از منظر محققان غربی حائز اهمیت است؛ امری که شاید در بین محققان ایرانی چندان بااهمیت نیست. در دنیای مترقی و متمدن اروپا، در برخی

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی aheidary1348@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی somaye_hadadiyan@yahoo.com

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی ghasem.sahrai@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۳/۱۳

مدارس زنگ قصه وجود دارد. بتلهایم^۱ می‌گوید هنگامی که زنگ قصه در مدرسه برای کودکان قصه خوانده می‌شود، آن‌ها به شدت لذت می‌برند. (رک. بتلهایم، ۱۳۸۷: ۹۹) شاید یکی از مهم‌ترین اهداف قصه، آشنا کردن گام‌به‌گام کودکان با ازدواج و دنیای زناشویی است. تقریباً در تمام قصه‌های پریان بحث از دواج مطرح است. قصه، در این زمینه بسیار موفق عمل کرده است. بتلهایم معتقد است قصه کودک را آهسته‌آهسته برای ورود به دنیای بلوغ جنسی آماده می‌کند و او را به‌طور طبیعی با این مسائل آشنا می‌کند. (رک. همان: ۱۶۰-۱۶۲)

۱-۱. بیان مسئله

«حیوان‌داماد» از انواع موتیف‌های رایج در قصه‌هاست که در اکثر فرهنگ‌ها به شکلی متجلی شده است. البته هرچه از قدمت قصه‌ها کاسته شده، این مضمون بنا به دلایل فراوان کم‌رنگ‌تر شده است. بتلهایم درباره‌ی علت نام‌گذاری قصه‌های حیوان‌داماد می‌نویسد: «قصه‌های بسیار محبوب‌تر و فراوان‌تر، قصه‌هایی هستند که جانوری به انسان شگرفی تبدیل می‌شود. این قصه‌ها با همه‌ی تفاوت‌ها یک جنبه‌ی مشترک دارند: شریک زندگی ابتدا یک جانور است. از همین رو در ادبیات مربوط به قصه‌های پریان، این مجموعه به «حیوان-داماد» یا «حیوان-شوهر» شهرت یافته است (آن گروه از قصه‌ها که در حال حاضر کم‌تر شناخته شده‌اند و در آن‌ها زن، به منزله‌ی همسر آینده، در آغاز حیوان است به «حیوان-عروس» شهرت دارند).» (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۴۸-۳۴۹) می‌توان گفت ریشه‌ی این افسانه‌ها به نگرش ما به مسائل جنسی بستگی دارد. این نگرش که از ابتدای رشد در وجود ما شکل می‌گیرد، هرچه متعادل‌تر و مثبت‌تر باشد، در آینده رابطه‌ی ما با جنس مخالف بهتر و مثبت‌تر خواهد بود و در اینجاست که زوج حیوانی، به هیئت انسانی خود تغییر شکل می‌دهد. در اغلب این افسانه‌ها، داماد که به شکل حیوان درآمده است، در آخر داستان بر اثر عشق یک زن به حالت عادی برمی‌گردد و داستان به خیر و خوشی تمام می‌شود و عروس و داماد به خوشی در کنار هم به زندگی خود ادامه می‌دهند. (رک. یونگ، ۱۳۸۶: ۲۹۲ و بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۵۱)

از نظر بتلهایم «قصه‌های حیوان-داماد سه ویژگی دارند: نخست آنکه معلوم نیست که داماد چگونه و چرا به شکل حیوان درآمده است؛ درحالی‌که قصه‌های پریان اغلب

¹ Bruno Bettelheim

این‌گونه اطلاعات را به ما می‌دهند. دوم آنکه مسبب این وضع ساحره‌ای است که کیفی کارهای زشت خود را هم نمی‌بیند. سوم آنکه پدر سبب می‌شود قهرمان زن نزد حیوان برود، و زن به سبب عشق به پدر یا حرف‌شنوی از او این کار را می‌کند؛ مادر به ظاهر نقش مهمی ندارد.» (همان: ۳۴۹) برخلاف نظر بتلهایم در اکثر نمونه‌ها آشکارا در قصه درباره‌ی حیوان‌شدن داماد یا عروس صحبت شده است. جنبه‌ی سمبلیک آن نیز چندان پیچیده و دور از ذهن نیست. اینکه بتلهایم در ویژگی دوم این قصه‌ها، مانند پراپ^۱ منتظر مجازات ساحره است، منطقی نیست. لازم به ذکر است که پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان چندین خویش‌کاری را به شریر اختصاص داده و در خویش‌کاری شماره ۱۸، معتقد است که شریر همیشه شکست می‌خورد و مجازات می‌شود و آن را «پیروزی= (I)» نامیده است (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۱۰)؛ زیرا چنان‌که خواهیم گفت، برای رشد و تعالی شخصیت زوجین یا یکی از آن‌ها، چنین دگردیسی و مسخی لازم است و در حقیقت آن ساحره در ظاهر شریر می‌نماید، بلکه در حقیقت و لایه‌های زیرین قصه، یاریگر قهرمان قصه است و از این مهم‌تر در روند و گسترش قصه نقش چندانانی ندارد؛ بنابراین ضرورتی ندارد که در نهایت بار دیگر قصه‌گو برگردد و با مجازات این ساحره، قصه را ادامه دهد و شیرینی قصه را در کام مخاطب تلخ گرداند. به همین دلیل است که در شکل‌های متأخر این قصه‌ها، زاهدی مستجاب‌الدعوه عهده‌دار این خویش‌کاری است، مانند داستان «موشی که دختری شد» در کلیله و دمنه (رک. نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۲۴)؛ البته بتلهایم در ادامه دلایلی بر تنبیه‌نشدن این ساحره ابراز می‌کند. (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۵۰) در این پژوهش به بررسی اصلی‌ترین ساختار این قصه‌ها پرداخته خواهد شد. همچنین نشان داده خواهد شد که چگونه این ساختار در طی زمان‌های متمادی و مکان‌های متفاوت، دگردیسی‌های ریز و درشتی را پذیرفته و از فرهنگ‌های مختلف، آشکارا متأثر شده است.

۲-۱. اهداف پژوهش

هدف ما در این پژوهش بررسی و تحلیل قصه‌های حیوان‌داماد است، اما با توجه به گستردگی این بن‌مایه، نمی‌توان تمام قصه‌های حیوان‌داماد موجود را جمع‌آوری و طبقه‌بندی و تحلیل کرد؛ بنابراین در این مقاله برخی از مشهورترین قصه‌های حیوان‌داماد،

¹ Prop

معرفی و تحلیل و دسته‌بندی شده است. علاوه بر این، سعی بر آن بوده که درباره‌ی چیستی و مهم‌ترین دلایل وجودی این قصه‌ها بحث شود. در این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی این دگردیسی‌ها بررسی شده است.

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به اینکه قصه و به تبع آن قصه‌های پریان موضوعی جهانی است، می‌توان ادعا کرد که بن‌مایه‌ی حیوان‌داماد نیز تفکری عمومی و جهانی است؛ اگرچه امکان دارد انگیزه و هدف ملل مختلف در طرح این قصه‌ها یکسان نباشد. همچنین می‌توان حدس زد که این قصه‌ها متناسب با فرهنگ و دین و موقعیت جغرافیایی اقوام مختلف با هم تفاوت‌هایی در نوع حیوان، دگردیسی انسان به حیوان و حیوان به انسان و عاقبت حیوان‌داماد و... دارند، با این حال قصه‌ها تقریباً از الگوهای یکسانی تبعیت می‌کنند.

۴-۱. پیشینه پژوهش

علاوه بر بحث‌های پراکنده در برخی از کتب، برنو بتلهایم، در کتاب *کودکان به قصه نیاز دارند* در مبحثی به نام حیوان‌داماد به تحلیل چند قصه‌ی غربی پرداخته است. (بتلهایم، ۱۳۸۷: ۴۵۹-۵۰۸) اولریش مارزلف^۱ در کتاب *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی* به صورت مختصر به بن‌مایه‌ی برخی از قصه‌های حیوان‌داماد اشاره کرده است (مارزلف، ۱۳۹۱: ۷۸، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶). محسن صادقی، مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی اسطوره‌ی حیوان-داماد در حکایتی صوفیانه» نوشته‌اند. در این مقاله پس از بررسی منشأ اسطوره‌ای این بن‌مایه و جنبه‌ی همگانی آن در میان ملل، سازه‌های حکایت صوفیانه با ماجرای «ازدواج ضحاک با خواهران جمشید» در شاهنامه‌ی فردوسی و برخی افسانه‌های ایرانی حیوان‌داماد، سنجدیده و منطبق شده اما تاکنون تحقیقی جامع در این زمینه انجام نپذیرفته است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. سیر تطور حیوان‌دامادی

به روشنی مشخص نیست که از چه زمانی قصه‌های حیوان‌داماد، رواج یافته است. همچنین مشخص نیست که کدام قصه از قدمت بیشتری برخوردار است، البته اگر کتابت

¹ Ulrich Marzolph

را شرط تقدم بدانیم تا حد زیادی می‌توان قدمت برخی از این قصه‌ها را تخمین زد. محسن صادقی در اظهارنظری شتاب‌زده می‌گوید: «روایت‌های موسوم به حیوان-داماد در غرب از کیوبد^۱ و پسیکه^۲ اثر آپولیس^۳ و در ایران از ازدواج ضحاک با خواهران جمشید اثر پذیرفته است.» (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۶۵) نکته‌ی شایان توجه در این قصه‌ها، تقدس و آیینی‌بودن این ازدواج‌هاست نه اختلالات جنسی که امکان دارد بتوان نمونه‌هایی را در هر عصری پیدا کرد، مانند داستان کنیزک در دفتر *مثنوی مولوی*. فریزر^۴ چنین ازدواج‌هایی را به درستی «وصلت مقدس» نامیده است. (فریزر، ۱۳۸۷: ۱۸۱) او پا را از این فراتر گذاشته، مبحثی با عنوان «روسپیگری مقدس» مطرح می‌کند که در مناطقی از دنیا، زنانی وجود داشته که خود و دختران ارشدشان را وقف جنسی برخی از معابد می‌کردند. (همان: ۳۷۵) این ازدواج آیینی و مقدس حتی در نام یکی از قدیمی‌ترین قصه‌های حیوان‌داماد یعنی «کیوبید و پسیکه» منعکس شده است؛ چه پسیکه همان پسوخته است که در زبان یونانی (اصل داستان به یونانی بوده است) به معنی عشق روحانی است. (رک. بیرلین، ۱۳۹۵: ۱۸۷) در چهار گوشه‌ی کره‌ی خاکی بنا به دلایل مختلف، دختر را به‌طور سمبلیک و آیینی، به عقد غیر هم‌نوع و هم‌جنس خود درمی‌آوردند و گاهی نوزاد حاصل را نیز به غلط نتیجه‌ی این وصلت می‌دانستند. گاهی اوقات امکان دارد این وصلت‌ها جنبه‌ی حقیقی هم به خود گرفته باشد. شاید بتوان گفت تقدیم دختری به‌مثابه قربانی برای خدایان، صورتی قدیمی‌تر از این آیین باشد که نمونه‌های فراوانی در اساطیر جهان دارد؛ برای نمونه، بخش بزرگی از داستان «اورفه» به قربانی کردن دختر باکره در مراسمی آیینی اشاره دارد. (پینست، ۱۳۸۰: ۹۱) شاید بتوان ادعا کرد که در دوره‌های بعد این دختر باکره را به عقد خدای مدنظر خود درآوردند.

در بتس مصر زنی که با هیچ مردی ارتباط نداشته، باید به‌عنوان همسر خدا در معبد آمون می‌خوابید. (فریزر، ۱۳۸۷: ۱۹۰) در برخی مناطق جهان از بارداری دختر از خدایان صحبت شده است. (همان: ۷۱۷) در آتن نیز دیونوسوس^۵ خدای تاک، هر سال با ملکه نزدیکی می‌کرد، این مراسم آنقدر جنبه‌ی حقیقی داشته که فریزر مردد است که آیا شخصی

¹ Cupid

² Psyche

³ Apollo

⁴ James George Frazer

⁵ Dionysus

نقش دیونوسوس را بازی می‌کرد یا تمثالی جای او می‌گذاشتند. (همان: ۱۹۱) فریزر به صراحت می‌گوید: «عروسی که برای خدا مقدر می‌شود تکه‌چوب یا خاک و کلوخ نیست بلکه زن زنده‌ای دارای گوشت و خون است.» (همان: ۱۹۳) آپولون، عاشق دافنه^۱ می‌شود. در جنگلی او را تنها می‌یابد و او را دنبال می‌کند... (بیرلین، ۱۳۹۵: ۱۹۳) و نمونه‌های فراوان دیگر. بسیاری از این ازدواج‌های نمادین برای ازدیاد محصولات کشاورزی صورت می‌گرفت که در جای خود تحقیقی درخور توجه خواهد بود. لازم به ذکر است در بحث قربانی دختر باکره به خدایان نیز گاهی برای ازدیاد محصول و در زیر درختان مراسم قربانی انجام می‌پذیرفت. (رک. بی‌نام، ۱۳۵۸: ۱۴۵)

در برخی از قبایل آفریقاتبار انگلستان، ماری را که از آن رودخانه‌ی خاصی است، پرستش می‌کنند و چند سال یک‌بار زنی، به‌خصوص دختری جوان را به ازدواج خدا-مار درمی‌آورند. (فریزر، ۱۳۸۷: ۱۹۵ و ۳۷۵) در بین برخی از اقوام، مردان بزرگ و نامداری وجود دارد که از هم‌بستری یک زن و مارخدایی، قدم به عرصه‌ی هستی گذاشته‌اند. زنان این قبایل، در جایگاهی مقدس می‌خوابند و ماری را به خواب می‌بینند و عقیده دارند که بچه‌دارشدنشان کار همین مار است. (همان: ۳۸۳) فریزر، اگوستوس^۲ و آریستومنس^۳ و اسکندر کبیر را از این قبیل مردان می‌داند. (همان: ۳۸۴) وجود مارخدا در اسطوره‌ها می‌تواند نقطه‌ی عطفی به‌شمار رود؛ زیرا بسیار طبیعی است که تقدیم دختری باکره به‌عنوان همسر به مار، که از پرتکرارترین قصه‌های حیوان‌داماد به‌ویژه در سرزمین پرمزوراز هندوستان است، ادامه‌ی همین مارخدا باشد. حتی در کیوید و پسیکه رد پای این مارخدا دیده می‌شود زیرا کیوید برادر ونوس که به‌طور موقت به شکل ماری ظاهر می‌شود، از خدایان یونان به‌شمار می‌رود. (رک. بیرلین، ۱۳۹۵: ۱۸۶)

دختران را علاوه بر خدایان، گاهی به برخی از عناصر نیز شوهر می‌دادند. در باور سیامی‌ها^۴ اولین قاعدگی نتیجه‌ی آن است که «یکی از ارواح سرگردان از دختر ازاله‌ی بکارت می‌کند.» (فریزر، ۱۳۸۷: ۸۰۷)

¹ Daphne

² Augustus

³ Aristomenes

⁴ Siame

هم‌بستری خورشید با دختر باکره، باوری رایج در بین بسیاری از اقوام است. «در یک قصه‌ی سیسیلی^۱، فال‌بینی، پیشگویی می‌کند که شاه صاحب دختری خواهد شد که در چهارده‌سالگی از خورشید بچه‌دار می‌شود.» (همان: ۷۱۷ و ۱۹۳) با تمام تلاش‌هایی که پادشاه برای محقق‌نشدن این واقعه انجام می‌دهد و دختر را در قصری دور از نور خورشید محبوس می‌کند، دختر با تکه‌استخوانی که در غذایش می‌یابد، تصادفی دیوار قصر را می‌خراشد و نور خورشید وارد می‌شود و دختر را حامله می‌کند. (همان: ۷۱۷) گاهی نیز باران چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد. زئوس^۲ به شکل باران بر دانائ^۳ که پدر و مادرش از همین ترس او را در زیرزمین یا در برجی بلند محبوس کرده بودند، وارد می‌شود و او را حامله می‌کند. (همان: ۷۱۷) نمونه‌هایی از ازدواج دختر با آتش نیز گزارش شده است. (مه‌بهاراتا، ۱۳۸۰: ۴) حتی گاهی دخترانی بوده‌اند که به‌طور سمبلیک و صوری با بت یا شمشیری ازدواج می‌کرده‌اند. (فریزر، ۱۳۸۷: ۳۷۵) فریزر گزارش کرده است که در دهکده‌ای در «پرو» دختر چهارده‌ساله‌ی باکره‌ای را به ازدواج تکه‌سنگی به نام «هواکا» درمی‌آوردند که خدا محسوب می‌شد. از آن پس دختر وقف بت می‌شد و همگی به او احترام می‌گذاشتند. (همان: ۱۹۲-۱۹۳)

الیاده نیز از ازدواج سمبلیک مرد با سندان، چنین گزارش کرده است: «در برخی از قبایل آفریقا، آهنگران قبیله، به سندان، به چشم عروس نگاه می‌کنند. وقتی سندان را به خانه می‌آورند، همان آوازهایی را می‌خوانند که هنگام آوردن عروس سر می‌دهند... او به همسرش می‌گوید که همسر دومش را به خانه آورده است.» (الیاده، ۱۳۹۲: ۶۹)

این قصه‌ها را که اغلب پیوندی ناگسستنی با اسطوره دارند، می‌توان از منظر پیکرگردانی نیز تجزیه و تحلیل کرد؛ زیرا در اکثر این قصه‌ها یک و گاهی دو بار پیکرگردانی صورت گرفته است (انسانی به حیوان و همان حیوان مجدداً به انسان تغییر شکل داده است). پیکرگردانی یعنی «تغییر شکل ظاهری و ساختمان و اساس هستی و هویت قانون‌مند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراءالطبیعی است که این امر در هر دوره و زمانی غیرعادی به‌نظر می‌رسد و فراتر از حوزه و توان معمولی انسان‌ها و حتی نوابغ و افراد استثنایی به‌شمار می‌آید. در این حالت شخص یا شیء به صورتی دیگر

¹ Sicily

² Zeus

³ Danae

می‌گردد.» (رستگارفسایی، ۱۳۸۸: ۴۴) در ادامه به انواع پیکرگردانی‌ها اشاره می‌شود. از پیکرگردانی خدایان، انسان‌ها، حیوانات، نباتات و جمادات، که به شیوه‌های مختلف صورت گرفته است. (همان: ۱۴۳-۴۷۰)

۲-۲. ساختار قصه‌های حیوان‌داماد

در این بخش ابتدا خلاصه‌ای از چند قصه‌ی حیوان‌داماد ذکر می‌شود. در آخر نیز جدولی بر همین مبنا طراحی شده که برخی از اختلاف‌های اساسی این قصه‌ها مشخص شده است. طبیعی است که چون امکان ذکر تمام قصه‌های حیوان‌داماد در این مقاله وجود نداشت، امکان دارد وضعیت‌های دیگری از این قصه‌ها وجود داشته باشد که در این جدول نیامده باشد.

۲-۲-۱. قصه‌ی کیوپید و پسیکه

در این قصه آپولون به والدین پسیکه (پسوخته)، پیام می‌دهد که او عاشق دل‌خسته‌ای دارد که ماری بال‌دار است و توصیه می‌کند تا او را بر روی صخره‌ای دوردست بگذارند تا با آن ملاقات کند. در پایان قصه نیز پس از رنج‌ها و آزمایش‌های دردناکی که پسوخته متحمل می‌شود، با حقیقت دگرگون‌شده‌ی عاشق خود (کیوپید)، که پسر ونوس است، عاشقانه زندگی می‌کند. (بیرلین، ۱۳۹۵: ۱۸۷)

۲-۲-۲. پومانا و ورتومنوس

ورتومنوس^۱ عاشق پومونا^۲ می‌شود که یک پری جنگلی است؛ اما مانند سایر خواستگاران با بی‌توجهی مواجه می‌شود. در نهایت ورتومنوس، خود را به شکل چوپانی ساده درمی‌آورد و... تا ونوس به پومونا می‌گوید که ورتومنوس، شوهر اوست و در نهایت با بی‌میلی تن به ازدواج می‌دهد. اما به مرور زمان و پس از برملاشدن هویت اصلی شوهر، عاشقانه به زندگی مشترک ادامه می‌دهند. (همان: ۱۹۱-۱۹۳)

۲-۲-۳. قصه‌ای به زبان بانو (کافیر)

در این قصه یک تمساح وقتی شکل انسانی خود را بازمی‌یابد که دختری صورت او را می‌لیسد. (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۵۲)

¹ Vertumnus

² Pomona

۲-۲-۴. آلگان

الگان^۱ عاشق دختر آسمان می‌شود اما دسترسی برای او غیر ممکن می‌شود. تا به سمت معشوقه می‌رود، او به آسمان پرواز می‌کند. به‌ناچار با طلسم و جادو خود را به موشی تبدیل می‌کند و با تعدادی از موش‌ها درون تنه‌ی درختی خود را پنهان می‌کند و از قبل در میدانی که تفرجگاه و محل رقص دختر آسمان و سایر دختران آسمانی بود، قرار می‌گیرد و با این ترفند دختر آسمانی را می‌ریاید و دختر آسمانی نیز به مرور زمان عاشق او می‌شود و مدت‌ها با هم به زندگی خود ادامه می‌دهند. (بیرلین، ۱۳۹۵: ۲۰۲-۲۰۴)

۲-۲-۵. قصه‌ی داگ-ریپ

در قصه‌ی داگ-ریپ^۲ از سرخ‌پوستان آمریکا، زنی با سگی آمیزش می‌کند و شش توله سگ می‌زاید. او را از قبیله بیرون می‌رانند. او برای اطعام بچه‌ها مجبور است هر روز به صحرا برود. یک روز مشاهده می‌کند که آن‌ها از پوست حیوانی خود بیرون آمده و کودکانی عادی هستند. روزی او وانمود می‌کند که از خانه بیرون رفته اما خود را پنهان می‌کند، فرصت را غنیمت می‌شمرد و پوست‌های آن‌ها را برمی‌دارد و برای همیشه در هیئت انسانی باقی می‌مانند. (باستید، ۱۳۷۰: ۶۵)

۲-۲-۶. قصه‌ی آتش و دختر راجه درجودهن

در مه‌بهاراتا آمده است که آتش به‌صورت برهمنی از دختر راجه درجودهن^۳ خواستگاری می‌کند، اما پدر مخالفت می‌کند. سپس در مراسم جشنی آتش حقیقت خود را برملا می‌سازد و با دختر راجه عروسی می‌کند. (مه‌بهاراتا، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴) جالب توجه اینکه این دختر از تزویج پدرش با باران به دنیا آمده بود. (همان)

۲-۲-۷. قصه‌ی خوک سحرآمیز

پادشاهی سه دختر دارد که بنا بر پیش‌بینی کتابی در اطاق ممنوعه، دختر کوچک باید با خوکی ازدواج کند. سال‌ها بعد خوکی به خواستگاری دختر کوچک می‌آید و با توصیه‌ی پدر، دختر کوچک تن به ازدواج می‌دهد. هنگام بازگشت خوک به باتلاقی فرومی‌رود و از دختر می‌خواهد او را ببوسد. دختر با دستمالی پوزه‌ی خوک را پاک می‌کند و می‌بوسد و متوجه می‌شود که خوک شب‌ها به شکل مردی درمی‌آید و... در نهایت دختر با تحمل

¹ Algan

² Dog-Rip

³ Duryodhana

رنج‌های فراوان، مجدداً به خوک می‌رسد و او برای همیشه به شکل شاهزاده‌ای درمی‌آید و با هم به حکومت می‌پردازند. (بتلهایم، ۱۳۸۷: ۴۸۵)

۲-۲-۸. قصه‌ی هفت برادر

هفت برادر خواهری دارند و بنا به دلایلی در غاری زندگی می‌کنند. روزی دختر در جستجوی آتش می‌رود و از خانه‌ی دیوی که هفت زن داشت، آتش تهیه می‌کند. دیو دختر را دنبال می‌کند و در همان غار با او هم‌بستر می‌شود. در نهایت برادران برمی‌گردند و دیو را می‌کشند و هر هفت زن او را به همسری می‌پذیرند. (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۴۵) برخی از مهم‌ترین خویش‌کاری‌های این قصه با کد ۵۹۰ و شماره‌ی ۲ طبقه‌بندی مارزلف آمده است. (مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

۲-۲-۹. قصه‌ی ملک جمشید

پادشاهی زن کوچک خود را با پسرش بنا به دلایلی از خانه بیرون می‌کند. آن‌ها در خانه‌ای استقرار می‌یابند که متعلق به دیوی است. دیو کم‌کم بنای دوستی را با زن می‌ریزد و او را حامله می‌کند و پسر را دنبال نخود سیاه می‌فرستند. زن وضع حمل می‌کند و پسری دیگر متولد می‌شود. وقتی پسر بزرگ پس از سال‌ها برمی‌گردد حقیقت را می‌فهمد و با کمک برادر پس از چند مرحله و... مادر و دیو را می‌کشد. (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۵۱) دو قصه اخیر که از قصه‌های محلی ایران‌زمین هستند، به مرور زمان دچار تغییراتی شده‌اند که به وضوح قابل شناسایی هستند. مارزلف ذیل کد ۵۹۰، به برخی از حوادث این قصه اشاره کرده است. (مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

۲-۲-۱۰. قصه‌ی شاهزاده قورباغه

در این قصه، قورباغه توپ دختر پادشاه را از چشمه درمی‌آورد و علی‌رغم بدعهدی اولیه‌ی دختر با رضایت پادشاه، کنار دختر می‌نشیند و غذا می‌خورد و در نهایت وارد اتاق خواب دختر می‌شود. دختر قورباغه را به دیوار می‌کوبد و به شاهزاده‌ای زیبا تبدیل می‌شود. دختر به همسری شاهزاده‌ی جوان درمی‌آید. شاهزاده تعریف می‌کند که چطور یک جادوگر او را جادو کرده و هیچ‌کس جز شاهزاده‌خانم نمی‌توانست او را نجات دهد.» (گریم، ۱۳۹۳: ۱-۳۲)

۲-۲-۱۱. قصه‌ی زیبا و هیولا

بازرگان (پدر دختر) بنا به قولی که به هیولا داده، دختر کوچکش (زیبا) را به جای خود به هیولا می‌دهد تا کشته شود؛ اما هیولا کم‌کم عاشق دختر می‌شود و از زیبا خواستگاری

می‌کند. زیبا قبول نمی‌کند. هیولا از زیبا می‌خواهد که هرگز او را ترک نکند. زیبا قول می‌دهد، اما در عوض از هیولا می‌خواهد که به دیدار پدرش برود. زیبا یک‌شب هیولا را در خواب می‌بیند و در دل آرزو می‌کند که برگردد، ناگهان خود را نزد هیولا می‌بیند که در حال مرگ است. به هیولا می‌گوید می‌خواهد با او ازدواج کند. با این سخن، هیولا به یک شاهزاده‌ی زیبا تبدیل می‌شود. (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۵۳) مهم‌ترین خویش‌کاری‌های این قصه را مارزلف با کد ۳۰۲B و شماره‌ی هفت (مارزلف، ۱۳۹۱: ۷۸) و کد ۴۳۲، شماره‌ی یک مشخص کرده است. (همان: ۱۰۲)

۲-۲-۱۲. زاهد و بچه‌موشی که دختر شد

زاهدی، موشی را از دست غلیوآژی نجات می‌دهد و برای آنکه از اهل خانه آزار نبیند، دعا می‌کند که به دختری تبدیل شود. وقتی دختر به سن بلوغ می‌رسد، می‌خواهد برای او شوهری بیابد. دختر می‌گوید باید شوهر او قوی‌ترین کس باشد. زاهد او را بر آفتاب عرضه می‌کند، آفتاب می‌گوید ابر از من قوی‌تر است. به همین ترتیب پیش ابر و باد و کوه می‌رود. کوه می‌گوید موش از من قوی‌تر است. دختر می‌گوید راست می‌گوید، شوی من این است. موش می‌گوید جفت من از جنس من تواند بود. دختر می‌گوید دعا کن تا من موش گردم. زاهد مجدداً دعا می‌کند و مستجاب می‌شود و با هم ازدواج می‌کنند. (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۲۴-۲۲۶)

این قصه بنا بر دگردیسی‌های فراوان، تفاوت‌های اندکی با اغلب قصه‌های حیوان‌داماد دارد. از جمله: ۱. عروس و داماد هر دو حیوانند و چنان‌که می‌بینم هویت و شخصیت اصلی عروسی از ابتدا، حیوانی بوده که شکل انسانی به خود گرفته و در نهایت در بزنگاهی حیوان می‌شود؛ ۲. به جای اینکه داماد تغییر هویت بدهد، این‌بار عروس است که تغییر شکل می‌دهد؛ ۳. باتوجه‌به رسوخ و تأثیر آموزه‌های دینی و عرفانی در کلیله و دمنه، در اینجا زاهد مستجاب‌الدعوه جایگزین جادوگر شده است؛ ۴. در این حکایت، زاهد مستجاب‌الدعوه نقش پدر را ایفا می‌کند و مادر طبق معمول همه‌ی این قصه‌ها، در قصه وجودی ندارد و

۲-۲-۱۳. سگ باوفا

مردی متوجه می‌شود که شبانگاه زنش به‌صورت پنهانی پیش فاسق‌های خود می‌رود. او با کمک سگش فاسق‌ها را می‌کشد و پس‌مانده‌ی غذای سگ را پیش زنش که در قفسی زندانی است، می‌گذارد. زنش به کمک عصایی جادویی او را به شکل حیوانی درمی‌آورد. مردمی که

با او احساس هم‌دردی می‌کنند او را پیدا و آزاد می‌کنند. این بار او زنش را به حیوانی تبدیل می‌کند و در قفس برای همیشه نگه می‌دارد. (مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۰۳) نکته‌ی جالب این قصه، مانند قصه‌ی قبل، حیوان‌شدن عروس و داماد است، با این تفاوت که این دگرگویی، هم‌زمان نیست و در یک برهه داماد و در برهه‌ی دیگر عروس به حیوان مبدل می‌شود.

۲-۲-۱۴. عروسی دختری با مار

در شهر راج گره هندوستان زنی که بچه‌دار نمی‌شود، ماری می‌زاید. علی‌رغم نظر اطرفیان مار را طرد نمی‌کند تا به سن بلوغ می‌رسد. پدر در طلب همسر برای مار به جستجو می‌پردازد تا پس از مدت‌ها به خانه‌ی دوستی فرود می‌آید و می‌گوید که در جستجوی زنی برای پسرش می‌گردد. دوستش بدون اینکه بداند پسرش ماری است، دخترش را تقدیم می‌کند. وقتی دختر شوهر را می‌بیند شجاعانه تسلیم سرنوشت می‌شود و برخلاف نظر اطرفیان، به زندگی با مار رضایت می‌دهد. ناگهان مار از پوست خود درمی‌آید و به جوانی رعنا تبدیل می‌شود. اما در برخی اوقات دوباره به پوست خود فرومی‌رود. عروس این راز را با والدین مار در میان می‌گذارد و آن‌ها پوست مار را آتش زده و پسرشان برای همیشه، به هیئت انسانی باقی می‌ماند. (پنجاکیانه، ۱۳۶۳: ۱۳۸-۱۵۲) برای اطلاع بیشتر از سوزاندن پوست حیوان داماد. (رک. مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۰۰)

۲-۲-۱۵. مهره‌ی مار

در دوران معاصر، همین بن‌مایه‌ی هم‌بستری با مار، موضوع داستانی با عنوان «مهره‌ی مار» از محمود اعتمادزاده (به‌آذین) شده است. گلنار، هفت روز متوالی از ماری خوش‌خطوخال هفت اشرفی دریافت می‌کند. در روز هشتم ناگهان مار را در کنار خود می‌بیند و دیگر آن ترس و هراس اولیه را به خود راه نمی‌دهد. به‌طور سمبلیک مار را جوانی تنومند می‌بیند و در آغوش می‌کشد... که به مرگ گلنار منجر می‌شود. (اعتمادزاده، ۲۵۳۷: ۷) نویسنده از این بن‌مایه به‌مثابه مواد خام استفاده کرده و در ورای آن به بحث‌های روز و نقد جامعه پرداخته است. فرضی و قبادی سامیان، مجموعه داستان مهره‌ی مار را که مشتمل بر دوازده داستان است و «مهره‌ی مار» نیز دومین داستان این مجموعه است، از منظر جامعه‌شناسی تحلیل کرده‌اند. گلنار (قهرمان داستان) را نماد طبقه‌ی ضعیف و کم‌درآمد و مار و اشرفی‌ها را نماد سرمایه‌داری و... دانسته‌اند. (فرضی و قبادی سامیان، ۱۳۸۸: ۷۶)

۲-۲-۱۶. آنگوس اوگ ایرلندی

آنگوس اوگ^۱ ایرلندی عاشق «کار» می‌شود. اما دسترسی به این دختر که با قدرت جادو، شش ماه قو و شش ماه زن است، برای او دشوار است. سرانجام با مرارت‌های فراوان، خود را به کار که در هیئت قوست می‌رساند. وقتی در جشنی در دریاچه، از او خواستگاری می‌کند، کار از او می‌پرسد که او کیست؟ او هم جواب می‌دهد که آنگوس اوگ خدای عشق است. به محض بر زبان آوردن نام خود، او نیز تبدیل به یک قو می‌شود و از آن پس برای همیشه با کار به زندگی مشترک ادامه می‌دهد. (بیرلین، ۱۳۹۵: ۲۰۲)

۲-۲-۱۷. قصه‌ی جرتکارو

در این قصه می‌بینیم که جرتکارو برای رهانیدن والدین خود از عذاب دوزخ، به ناچار تن به ازدواج می‌دهد اما شرط بسته با کسی ازدواج کند که هم‌نام او باشد. طبیعی است که هرچه می‌گردد، دختری که هم‌نام او باشد، نمی‌یابد. روزی در صحرائی فریاد برمی‌آورد که آیا کسی هست که دختری به نام جرتکارو داشته باشد و او را به من دهد. ماری پاسخ می‌دهد بلی و خواهرش را که هم‌نام اوست به جرتکارو می‌دهد. (مه‌بهاراتا، ج ۱، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰)

۲-۲-۱۸. عروسی مار

شاهزاده‌ای در بیابان دختر برهنه‌ای پیدا می‌کند و او را به زنی می‌گیرد. زن سه شرط پیش پای او می‌گذارد: ۱. دختر چراغ را روشن نکند؛ ۲. هیزم روی آتش نگذارد؛ ۳. به تنور نزدیک نشود. در نهایت با راهنمایی درویشی شاهزاده درمی‌یابد که زنش هر شب به ماری تبدیل می‌شود. (مارزلف، ۱۳۹۱: ۹۷)

۲-۲-۱۹. دامادپری

زنی از دست درویشی (خضر) سیبی می‌خورد و حامله می‌شود. دختری می‌زاید. مردی که از شمار پریان است او را می‌رباید. هر شب به دختر شربت‌ی خواب‌آور نوشانده می‌شود. یک شب که دختر شربت خواب‌آور را نخورده است، به حقیقت ماجرا پی می‌برد. هنگامی که داماد خواب است، دختر که شربت را نخورده و بیدار مانده، برای نجات داماد تصمیم می‌گیرد و قفل‌هایی را که بر گردن داماد است باز کند... در نهایت شوهر او را به زنی می‌گیرد. (همان: ۱۰۲)

¹ Angos Og

صادقی معتقد است در ایران دو نمونه‌ی الگوی روایتی داریم، این دو الگو در همه‌ی بخش‌های داستان مشابه‌اند، جز در بخش پایانی یا وضعیت نهایی آن که دختر برگردانده می‌شود یا به زندگی مشترک خود ادامه می‌دهد. (صادقی، ۱۳۹۵: ۹) به یقین اگر قصه‌های دیگری تحلیل شود، الگوهای دیگری نیز اضافه خواهد شد؛ برای نمونه، در وضعیت پیکرگردانی، همیشه داماد تغییر هویت نمی‌دهد و در بسیاری از نمونه‌ها داماد تا آخر قصه به شکل حیوان باقی خواهد ماند؛ خواه زندگی مشترک او با عروس ادامه پیدا کند یا به هر دلیل آن زندگی مشترک از بین برود.

جدول شماره‌ی (۱) ویژگی قصه‌های حیوان‌داماد

ردیف	نوع قصه	تغییر شکل اولیه (به حیوان)	نوع حیوان	علت تغییر شکل اولیه	تغییر شکل نهایی (به انسان)	علت تغییر شکل نهایی	ادامه‌ی زندگی مشترک
۱	حیوان‌داماد	بله	مار	خودش	بله	مرور زمان	بله
۲	حیوان‌داماد	بله	چوپان	خودش	بله	مرور زمان	بله
۳	حیوان‌داماد	بله	تمساح	جادو	بله	لمس	بله
۴	حیوان‌داماد	بله	موش	جادو	بله	مرور زمان	بله
۵	حیوان‌داماد	-	سگ	از ابتدا حیوان است	(بچه‌ها تغییر شکل می‌دهند)	مرور زمان	بله
۶	آتش‌داماد	بله	آدم	جادو	بله	برای اثبات حقیقت	اخراج زن از قبیله
۷	حیوان‌داماد	بله	خوک		بله	لمس	بله
۸	حیوان‌داماد	-	دیو	از ابتدا حیوان است	خیر	-	قتل حیوان
۹	حیوان‌داماد	-	دیو	از ابتدا حیوان است	خیر	-	قتل حیوان
۱۰	حیوان‌داماد	بله	قورباغه	جادو	بله	لمس	بله
۱۱	حیوان‌داماد	-	هیولا	از ابتدا حیوان است	بله	بردن نام	بله
۱۲	حیوان‌داماد	(عروس تغییر می‌کند)	موش	دعا	خیر (داماد، موش است)	دعا	بله
۱۳	حیوان‌داماد و حیوان‌عروس	هر دو تغییر می‌کنند	نامشخص ص	جادو	داماد، انسان می‌شود و عروس حیوان می‌ماند.	کمک مردم	بله

۱۴	حیوان داماد	خیر	مار	از ابتدا حیوان است	بله	مرور زمان	بله
۱۵	حیوان داماد	خیر	مار	از ابتدا حیوان است	عروس می‌میرد	لمس	بله
۱۶	حیوان عروس	بله	قو	شش ماه قو و شش ماه انسان است	بله	بردن نام	بله
۱۷	حیوان عروس	خیر	مار	از ابتدا حیوان است	خیر (عروس مار است)	-	بله
۱۸	حیوان عروس	بله	مار	نامشخص	خیر	-	بله
۱۹	پری داماد	خیر	پری	از ابتدا پری است	بله	لمس	بله

۲-۳. چون قصه‌های بررسی شده، شامل کل قصه‌های حیوان داماد نیست، هرگونه آمار و اظهار نظر قاطع، بی اعتبار خواهد بود؛ اما به طور مختصر به ذکر چند مطلب در تحلیل این قصه‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۳-۱. بیشترین فراوانی به ازدواج با مار به منزله‌ی داماد تعلق دارد. قداست مار بنا به دلایلی به ویژه در هندوستان و ایران و به تبع آن در سایر کشورها، گاهی نیز به صورت ازدواج با مار به صورت حیوان داماد یا حیوان عروس، درخور ملاحظه است. هیتس^۱ معتقد است نماد باروری عیلام که متشکل از دو مار در حال جفت‌گیری است حتی تا سرزمین نیل نیز رسوخ کرده است. (رک. هیتس، ۱۳۸۹: ۵۲) تاوارانی نیز مار را نشانه‌ی زایش مجدد و زندگی دوباره در فرهنگ ایلامیان باستان دانسته است. (تاوارانی، ۱۳۸۳: ۱۲) چنان‌که در بخش «سیر تطور حیوان دامادی» گفته شد، مارخدایی و اهدای قربانی که یکی از بهترین انواع آن دختری باکره بوده، از مهم‌ترین دلایل فراوانی این قصه‌هاست. بهار معتقد است که مارها در تمدن عیلامی نیز به مرز خدایی رسیده‌اند. (بهار، ۱۳۸۴: ۱۴۱) از طرف دیگر نیز جنبه‌های تولد و بارداری از مهم‌ترین وظایف این خزنده بوده است. (رواسانی، ۱۳۷۱: ۱۳۱) ورمازرن^۲ لیسیدن خون گاو توسط مار در صحنه‌ی قربانی شدن گاو را نمادی از آبستن شدن زمین می‌داند. (ورمازرن، ۱۳۷۲: ۱۹۳)

¹ Hinz Walther

² Vermazern

۲-۳-۲. چهار قصه‌ی عروس داماد (۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸) و یک قصه عنصر داماد است (قصه‌ی ۶) که برای سنجش با قصه‌های حیوان داماد آورده شد که نشان داده شود که خویش‌کاری‌های تمام این قصه‌ها یکسان است.

۲-۳-۳. در تغییر شکل‌های اولیه، گاهی علت یا تغییر شکل در قصه حذف شده است. ۲-۳-۴. در قصه‌های متأخر، دعا جای جادو را گرفته (قصه‌ی ۱۲) و کم‌کم ردپای مفاهیم دینی مانند جن و شخصیت‌های دینی مانند خضر پیدا می‌شود. (قصه‌ی ۱۹)

۲-۳-۵. در قصه‌ی ۱۲، عروس ابتدا موش است و بر اثر دعای زاهد دختری می‌شود و در نهایت به هویت اصلیش که موش است، برمی‌گردد؛ یعنی برعکس سایر قصه‌ها، تغییر شخصیت شکل می‌گیرد. علاوه بر این در این قصه، عروس است که تغییر شکل می‌دهد نه داماد!

۲-۳-۶. در قصه شماره پنج، شوهر که سگی است از قصه حذف می‌شود و خویش‌کاری تغییر شکل، مشمول بچه‌ها می‌شود.

۲-۳-۷. در قصه‌های ۸ و ۹ بنا به دلایل مختلف، تغییراتی به وجود آمده و زمینه‌های سمبولیک و آیینی قصه نادیده انگاشته شده است. به همین دلیل از نظر روایت‌کنندگان قصه، گویی چنین ارتباطی، تجاوز به عنف حیوان (قصه‌ی ۸) یا علاقه‌ی زن به حیوان به‌مثابه انحرافی جنسی (قصه‌ی ۹) صورت گرفته است؛ بنابراین مردان قبیله در صدد جبران برمی‌آیند و برای خوشایندی پایان قصه، در مورد اول حیوان و در مورد دوم حیوان و زن، هر دو به قتل می‌رسند. پایان این قصه، با این عبارت خاتمه می‌یابد: «این بود جزای عمل ناشایست زن!» (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

۲-۳-۸. در قصه‌ای غربی از حیواناتی مانند قو و خوک صحبت شده و در قصه‌های شرقی علاوه بر مار از حیوانات خشن‌تری مانند دیو و... بحث شده است.

۲-۳-۹. چنان‌که دیده می‌شود، اساس و زیرساخت تمام قصه‌ها یکسان است، اما در ساخت و ظاهر قصه‌ها بنا به دلایل فرهنگی، زمانی، مکانی و... تغییر یافته است. که در اغلب نمونه‌ها به راحتی شناسایی می‌شود؛ مثلاً جادو جای خود را به دعا داده است، یا مار و دیو جای خود را به قو و قورباغه داده و غیره. پراپ، ازدواج اژدها با دختر پادشاه را از موضوع‌های رایج قصه‌ها می‌داند. (پراپ، ۱۳۷۱: ۱۷۰) او وجود اژدها را در قصه‌ها، کهن‌تر از سایر حیوانات می‌داند: «تقریباً در سراسر جهان ما در قصه‌ی پریان با اژدها

روبه‌رو می‌شویم. اما در برخی از قصه‌های شمال با خرس و در جنوب با شیر به جای اژدها روبه‌رو می‌گردیم. صورت اصلی اژدهاست و حال آنکه خرس و شیر صورت‌های مشتق هستند.» (همان: ۱۴۸) گاهی نیز برخی از خویش‌کاری‌ها در بعضی از قصه‌ها حذف شده؛ مانند دگردیسی اولیه‌ی انسان به حیوان یا دلیل و چگونگی این دگردیسی‌ها و غیره. جورج لارنس^۱ در کتاب فولکلور به عنوان یک مهم تاریخی در اظهارنظری که اثباتش در برخی مواقع دشوار است، می‌گوید می‌توان لایه‌های سنت‌های عامیانه را مانند لایه‌های تهنشین‌شده‌ی زمین را از قصه‌ها که بر اثر کوچ و غلبه و... اتفاق افتاده است تشخیص داد. (رک. پراپ، ۱۳۷۱: ۱۴)

تغییرات و اختلافات جزئی این قصه‌ها در کتاب طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی کدگذاری شده است. (مارزلف، ۱۳۹۱: ۹۸-۹۹) نکته‌ای که به درستی از این قصه‌های به‌ظاهر مختلف استنباط‌شدنی است، شباهت و اشتراک در هسته‌ی مرکزی (حیوان‌دامادی) و اختلاف در نوع حیوان و کیفیت ازدواج و... است. این قصه‌ها انعطاف‌پذیری خاصی دارند و همین انعطاف‌پذیری باعث زایایی بی‌شمار آن‌ها شده است.

۲-۴. علل پیدایش قصه‌های حیوان‌داماد

تحلیل‌های گاه متضاد از علوم مختلف در خصوص این قصه‌ها یا درباره‌ی بعضی از عناصر این قصه‌ها که دلیلی بر رد آن‌ها وجود ندارد، باعث شده که به نتیجه‌ای نهایی در خصوص فلسفه‌ی وجودی این قصه‌ها دست نیابیم و علاوه بر آن‌ها بتوان تحلیل‌ها و دلایل دیگری را نیز ارائه کرد. در ادامه به‌طور مختصر به برخی از مشهورترین دلایل پیدایش این قصه‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۴-۱. تأثیر جوامع مادرسالار

بر اساس برخی تحقیقات انجام‌گرفته در زمینه‌ی قصه‌ها، یکی از دلایل پیدایش این قبیل قصه‌ها آن است که والدین در نقل و ذکر این قصه‌ها، برای خطرناک جلوه‌دادن فضای بلوغ جنسی دختر به بلوغ‌رسیده، به او گوشزد می‌کنند تا شیرینی تخیلی دنیای شهوت را برای او آزاردهنده و خطرناک جلوه دهند و مستقیم به او بیاموزند که چنین خطراتی در کمین اوست؛ از این‌رو با توجه به قدمت و کهنگی این قصه‌ها، بعید نیست که بن‌مایه و

¹ George Lawrence

اساس این قصه‌ها مربوط به دوران مدرسالاری بوده و در این قصه‌ها، داماد را به بدترین وجه معرفی کرده باشند. بتلهایم درباره‌ی این موضوع چنین می‌نویسد: از آنجا که مادران ما، یا پرستاران ما، نخستین مربیان ما بوده‌اند، امکان دارد همان‌ها نخستین بار به طریقی مسأله جنسی را به صورت تابو درآورده‌اند، و از همین جاست که همیشه یک زن، داماد آینده را به حیوان تبدیل می‌کند. در این قصه‌ها، مادران به ظاهر غایب‌اند، اما در لباس جادوگری که سبب شده کودک امر جنسی را چیزی حیوانی بدانند، حضور دارند. پدران و مادران تقریباً همگی امر جنسی را به اشکال مختلف نوعی تابو می‌دانند. (همان: ۳۵۰)

برانیسلاو مالینوفسکی^۱ در تحقیقی جامع که در جوامع مدرسالار انجام داده، پا را از این فراتر می‌نهد و معتقد است در جوامع مدرسالار «حتی یک اسطوره درباره‌ی آفرینش اولیه وجود ندارد که در آن شوهر نقش یا نمودی داشته باشد.» (مالینوفسکی، ۱۳۸۷: ۱۰۷) شاید تا حد زیادی طبیعی باشد که زنان آگاهانه یا ناآگاهانه امر جنسی را چیزی حیوانی بدانند و از مردان به سبب آن‌ها که آن‌ها را از دوشیزگی محروم کرده باشند، دل‌چرکین باشند. (رک. بتلهایم، ۱۳۸۶: ۳۶۸) به همین دلیل آفریننده‌ی برخی از این قصه‌ها، شوهر را در قالب حیوانی که بیشتر با آن سروکار داشته‌اند، معرفی کرده‌اند؛ اما چنان‌که در اغلب قصه‌ها دیده می‌شود، در نهایت یا داماد به شخصیت اصلی خود برمی‌گردد یا زوجه با رضایت به زندگی مشترک خود با حیوان ادامه می‌دهد.

۲-۴-۲. حیوان‌داماد و ضمیر ناخودآگاه

کارل گوستاو یونگ^۲ با توجه به نگاه روان‌شناختی خود، پذیرش عنصر مذکر به صورت انسان حیوان‌نما را مربوط به نخستین دوران قهرمانی بدوی و نشان‌دهنده‌ی برخی جنبه‌های پرمعنای ناخودآگاه جمعی می‌داند. (یونگ، ۱۳۸۶: ۲۰۶)

۲-۴-۳. آیین تشرف

در هند باستان، به دلیل اهمیت و قداست حیوانات و اذعان به این مطلب که تمام حیوانات دارای روح و شبیه انسانند (محبوب، ۱۳۴۹: ۳۰۷)، شکل‌گیری چنین قصه‌هایی دور از انتظار نیست؛ بنابراین می‌توان حدس زد که حداقل در هند باستان، چنین ازدواج‌هایی نه از سر طنز و تمسخر، بلکه به‌عنوان نوعی تشرف و تشویق مرسوم بوده است.

^۱ Bronislaw Malinowaki

^۲ Carl Gustav Jung

۲-۴-۴. توت‌م‌باوری

از دیگر دلایل تفکر ازدواج با حیوانات، بحث توت‌م‌باوری است که: «هر گروه یا قبیله‌ای از انسان‌های ابتدایی، جد اعلای خود را از یک حیوان یا یک گیاه می‌دانستند و خود را از نسل آن گیاه یا حیوان قلمداد می‌کردند. انسان ابتدایی که نمی‌توانست مرگ عزیزانش را تحمل کند، آنان را در هیأت حیوان و گیاه حیات بخشید، از این‌رو خود را ملزم کرد که نسبت به آن حیوان یا گیاه خاص احترام قائل شود و بدین طریق، این تفکر که انسان‌ها از نسل حیوانی خاص و یا از ازدواج یک انسان با یک حیوان به وجود آمده‌اند، شکل گرفت.» (محسنی و ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

۲-۴-۵. حیوان‌دوستی کودک

همان‌طور که در زندگی روزمره می‌بینیم، کودکان به حیوانات دل‌بستگی طبیعی و علاقه‌ی خاصی دارند و اغلب خود را به آن‌ها نزدیک‌تر حس می‌کنند تا به فرد بزرگ‌سال. شاید به این دلیل هم باشد که در این‌گونه از قصه‌ها، داماد به شکل حیوان درمی‌آید. بتلهایم در این باره می‌گوید: کودکان دوست دارند در زندگی حیوانات، که به نظر آن‌ها راحت و توأم با لذت و آزادی‌گریزی است، سهیم باشند. اما این بستگی همراه با احساس نگرانی نیز هست، نگرانی از اینکه مبدا آن‌گونه که باید انسان نباشد. قصه‌های پریان با نشان دادن آنکه هستی حیوانی فقط غلافی است که انسانی بسیار جذاب از آن بیرون می‌آید، این ترس را خنثی می‌کنند. حیوانی‌انگاشتن جنبه‌های جنسی خود، پیامدهای زیان‌باری دارد تا به آنجا که بعضی اشخاص هرگز نمی‌توانند تجربه‌های جنسی خود یا دیگران را از این احساس پنهان، برهانند. بنابراین باید به کودک القا کرد که شاید این امر ابتدا به شکل نفرت‌انگیزی حیوانی به‌نظر رسد، اما وقتی راه درست برای رسیدن به آن را بیایم، از پس این ظاهر نفرت‌انگیز، زیبایی پدیدار خواهد شد. (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۵۹)

۲-۴-۶. تشویق به ازدواج

تشویق جنس مذکر به ازدواج و اهمیت‌دادن به نقش زن در روند تکاملی مرد، ممکن است از عوامل و علل پیدایش چنین قصه‌هایی بوده باشد. یکی از کارکردهای این قصه‌ها، می‌تواند تبیین نگاه تکاملی به مسئله‌ی ازدواج باشد. از این منظر به‌طور تلویحی به جنس مذکر آموخته می‌شود تا زمانی که به ازدواج قانونی تن درنهد، روح حیوانی او زنده و پویاست و با ازدواج است که می‌تواند به تمام حقیقت هستی انسانی خود دست یابد و از حالت حیوانی برای همیشه رهایی یابد.

۲-۴-۷. تابوی ارتباط با جنس مخالف برای نوجوان

به نظر می‌رسد سرکوب کردن تمایلات جنسی کودک به دست والدین، او را به این سمت سوق داده و متقاعد کرده که به جای فکر به جنس مخالف که باتوجه به محیط استبدادی خانواده‌ها، تابویی بس خطرناک تلقی می‌شده است، به پردازش چنین قصه‌هایی دامن بزند.

۲-۴-۸. مار، نماد زایش و باروری و تجدید حیات

باتوجه به قدمت، نقش و اهمیت مار در این گونه قصه‌ها، به احتمال زیاد صورت اصلی و قدیمی‌تر حیوان داماد، مار بوده است. از طرف دیگر مار در باورهای مختلف از جمله ایران باستان، نماد باروری و زایش و حیات مجدد بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که در ورای چنین قصه‌هایی بحث ادامه‌ی حیات و باروری مطرح بوده است. به نظر می‌رسد اشتراک ریشه‌ی واژه‌های مار، زن و حیات در زبان عربی تصادفی نباشد. پراپ معتقد است «اژدها در روانکاوی نمودار خیالی است که در برابر نوجوانان هنگامی که می‌خواهند پا را به زندگانی جنسی بگذارند، سبز می‌شود. این مانع به علت تفکر اطرافیانی است که نوجوان را به نشیندن هشدارها و نپذیرفتن نداهای بلوغ تشویق می‌کنند و دوباره نوجوان را به آغوش مادر و زنا‌ی به محارم می‌کشاند. (پراپ، ۱۳۷۱: ۲۴) اژدها برای دختر نماد دوشیزگی اوست (همان: ۲۴۴) در قصه‌ها، اژدها نگهبان چاه مگاک و... است (همان: ۲۴۴) که ارتباط سمبولیک آن با جنس مؤنث نمایان است.

۳. نتیجه‌گیری

ظاهرشدن همسر به شکل جانور در برخی قصه‌ها، شکل و نمودی از اسطوره‌ی «حیوان داماد» است که در سرزمین‌ها و مناطق مختلف جهان نمونه‌های تقریباً مشابهی دارد. داماد، متناسب با باورها و ارزش‌های فرهنگی و جغرافیای هر جامعه‌ای، در شکل‌هایی نظیر مار، موش، سگ، دیو و... ظاهر می‌شود. او در اغلب این قصه‌ها، پس از ازدواج به شکل اولیه‌ی خود (انسان) برمی‌گردد. پیکرگردانی شوهر در قالب حیوانات قبل و بعد از ازدواج از زوایای گوناگون و علوم مختلف درخور بررسی و تحلیل است. به نظر می‌رسد که ساختار اصلی این قصه‌ها یکی بوده، اما بنا به دلایل مختلف، در هر عصر و جامعه‌ای تغییرات ریز و درشتی در آنها به وجود آمده است که برای متخصصان قصه به راحتی شناخته‌شدنی است؛ برای نمونه، جادو جای خود را به دعا، دیو جای خود را به شیطان، یاری‌گر به صورت خضر و... داده است. هسته‌ی اصلی و وجه مشترک

غالب این قصه‌ها، دگردیسی حیوانی بعد از ازدواج به انسان است، که بنا به ویژگی قصه، به شکل داستان روایت شده و به مرور زمان چگونگی دگردیسی، نوع حیوان و... تغییر یافته یا به عبارتی تکامل یافته است.

منابع

- اعتمادزاده (م. به‌آذین)، محمود. (۲۵۳۷). *مهره‌ی مار*. تهران: آگاه.
- الیاده، میرچاه. (۱۳۹۲). *هنر اسرارآمیز*. ترجمه‌ی مینا غرویان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- باستید، روز. (۱۳۷۰). *دانش اساطیر*. ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: توس.
- بتلهایم، برونو. (۱۳۸۱). *افسون افسانه‌ها*. ترجمه‌ی اختر شریعت‌زاده، تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۸۷). *کودکان به قصه نیاز دارند*. ترجمه‌ی کمال بهروز نیا، تهران: افکار.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). *از اسطوره تا تاریخ*. ویراسته‌ی ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: چشمه.
- بیرلین، ج، ف. (۱۳۹۵). *اسطوره‌های موازی*. ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: مرکز.
- بی‌نام. (۱۳۵۸). «هر بهار یک دختر باکره را قربانی می‌کنند». *پیام اسلام*، شماره‌ی ۶، صص ۱۴۴-۱۴۵.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- _____ (۱۳۷۱). *ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان*. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- پنجاکیانه. (۱۳۶۳). ترجمه‌ی مصطفی خالقداد هاشمی عباسی، تصحیح جلالی نائینی و همکاران، تهران: اقبال.
- پینسنت، جان. (۱۳۸۰). *اساطیر یونان*. ترجمه‌ی باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- تاواراتانی، ناهوکو. (۱۳۸۶). *سمبول‌های جاودان در ادبیات فارسی و ژاپنی*. تهران: بهجت.
- حیدری، علی. (۱۳۸۹). *ریخت‌شناسی قصه‌های رایج لکی*. طرح تحقیقاتی دانشگاه لرستان.
- رواسانی، شاپور. (۱۳۷۱). *جامعه‌ی بزرگ شرق*. تهران: شمع.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۸). *پیکرگردانی در اساطیر*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- صادقی، محسن. (۱۳۹۵). «بازنمایی اسطوره‌ی حیوان-داماد در حکایتی صوفیانه». فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی *نقد ادبی*. سال ۹، شماره‌ی ۳۵، صص ۱۶۵-۱۸۳.
- فرضی، حمیدرضا و قبادی سامیان، پریسا. (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناسی رمان مهره‌ی مار اثر محمود اعتمادزاده (به‌آذین)». *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۲، شماره‌ی ۵، صص ۶۵-۸۶.
- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۸۷). *شاخه‌ی زرین*. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.
- گریم، ویلهلم و یاکوب. (۱۳۹۳). *شاهزاده قورباغه*. ترجمه‌ی سیدعلی کاشفی خوانساری، تهران: قدیانی.
- مارزلف، اولریش. (۱۳۹۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران: سروش.
- مالینوفسکی، برونیسلاو. (۱۳۸۷). *غریزه‌ی جنسی و سرکوب آن در جوامع ابتدایی*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۴۹). *درباره‌ی کلیله و دمنه*، تهران: خوارزمی.
- محسنی، مرتضی و ولی‌زاده، مریم. (۱۳۹۰). «بن‌مایه‌های توتیمسم در قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۵۵-۱۸۰.
- مهابهاراتا. (۱۳۸۰). ترجمه‌ی میرغیاث‌الدین علی قزوینی. ج ۴، تصحیح و تحشیه‌ی سیدمحمدرضا جلالی نائینی و ن. س. شوکلا، تهران: طهوری.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی. (۱۳۹۲). *کلیله و دمنه*. تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- هیئتس، والتر. (۱۳۸۳). *دنیای گم‌شده‌ی عیلام*. ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ورمازن، مارتین. (۱۳۷۲). *آیین میترا*. ترجمه‌ی بزرگ نادرزاد، تهران: چشمه.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۶). *انسان و سمبول‌هایش*. ترجمه‌ی محمد سلطانیه، تهران: جام.